

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

داکتر اجرالدین حشمت



از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

(۳) جنبش های آزادخواهی در هند : به استناد شواهد تاریخی ، هند از جمله قدیمترین ممالک جهان بود که در نیمه هزاره دوم قبل از میلاد تمدن و مدنیت درخشان داشت و دولت های مقتدری در طول تاریخ از این نیم قاره فرهنگ خیز برخاسته اند که در عصر آنها انکشاف علوم فلسفه ، الهیات ، نجوم و ریاضی به اوج خود رسیده بود . سرزمین حاصل خیز هند با آن همه غنا و ثروت فراوانش از سالیان متما دی توجه کشور کشایان را جلب نموده که ورود سکندر کبیر به پنجاب (۳۲۷ ق م) ، حملات نظامی اعراب در عصر امویان ، فتوحات مکرر سلطان محمود غزنوی ، سلطنت های شاهان غوری (۱۲۴۵-۱۳۸۱ م) ، هجوم امیر تیمور کورگانی (۱۳۷۹ م) سلطنت های سلسله بابر (با بر) ، همایون ، جلال الدین محمد اکبر ، جهانگیر ، شاه جهان اورنگ زیب و محمد شاه (۱۴۸۳-۱۷۳۸ م) ، لشکر کشی نادر افشار (۱۷۳۸ م) و احمد شاه درانی (۱۷۵۸، ۱۷۵۶، ۱۷۵۱، ۱۷۴۷ و ۱۷۶۰ م) مصداق این ادعا است .

قرار اظهارشاد روان غبار : اروپائی ها از مدت ها قبل به محصولات هندی آشنائی و علاقه فراوان داشتند . امتعه تجارتی هند را توسط کاروان های آسیائی که از طریق خشکه طی مسافه میکردند به دست می آوردند ؛ اما با کشف راه بحری در قرن پانزدهم مشکل طول راه و خطرات ناشی از آن رفع شده ، ممالک غربی اعم از هالند ، بریتانیا ، فرانسه ، دنمارک و جرمنی ابتدا تحت نام تجارت اما بعد ها غرض کسب امتیاز بیشتر و چپاول زیاد تر به صوب هند سرازیر شدند و به خاطر تسلط بالای منابع اقتصادی و تجارتی سخت با همدیگر درگیر رقابت شدند . انگلیس ها در ۱۶۰۰ م اولین کمپنی تجارتی شرق الهند را که مرکز آن سورت – سواحل غربی هند بود تأسیس و اجازه نامه تجارتی حاصل نمودند (۶۴)

بریتانیا در بدو ورود به هند زیاد تر به امور تجارتی اشتغال داشت اما بعد ها کمپنی شرق الهند در عین زمانیکه وظیفه تجارتی داشت ، صلاحیت حل و فصل امور سیاسی و نظامی را نیز به پیش میبرد ، تا آنکه بعد از شورش (۱۸۵۷ م) بریتانیا

مستقیماً اداره هند را به دست گرفت و از همین تاریخ به بعد هند به منبع مواد خام برای کارخانه های بریتانیا و بازار فروش کالا های انگلیسی تبدیل شد .

در نیمه اول قرن نوزدهم استعمار و بهره کشی در نیم قاره هند توسط کمپنی های انگلیسی به حد اعلی خود رسید . فقر ، بی نوائی ، تیره روزی ، قحطی توأم با تبعیض با عث نارضایتی و عدم اعتماد در بین توده ها گردید ، در نتیجه این همه اوضاع نابه سامان تد ريجا" مقاومت هاوشورش های سرتا سری آغاز گردید اما این جنبشها عموماً توسط فیودال ها و حکمرمایان که منافع شان را از دست داده بودند رهبری میگردد . قابل یادآوری است که جنگ های میسوری تحت قیادت حیدر علی سلطان میسور ، شورش سرتا سری مسلمانان و هندوان (۱۸۵۷م) و نهضت بنگال در همین زمان به وقوع پیوست .

حیدر علی سلطان میسور یکی از مشهورترین مبارزان هند است که در مقابل قوای بریتانیا سخت مقاومت کرد و پیروزی هائی هم نصیبش شد . انگلیس ها خواستند کار او را یکطرفه کنند ، چنانچه در ۱۷۶۷ م بالای میسوری حمله نمودند اما شکست خوردند و حیدر علی آنها را تا مدتهاست تعقیب نمود . (۶۵) متأسفانه این مرد دلیر و مبارز در ۱۷۸۲ م وفات نمود ، اما تیپو پسر حیدر علی راه پدر را رها نکرد و در مقابل قوت های بریتانیا مقاومت میکرد تا بالاخره این مبارز شجاع هم توسط قشون متحد - مرهته ، نظام و بریتانیا از پا در آمد و با مبارزان دلیر خود یکجا در دهن دروازه شهر (سرنیکا) تا م کشته شد . (۶۶) اولین شعله های انقلاب سرتاسری (۱۸۵۷ م) در مقابل سلطه سیاسی و اقتصادی بریتانیا از قشله نظامی مروت - د هلی زبانه کشید و به زودی تالکنهور و بنارس و کانپور وسایر حصص هند رسید (۶۷) اما با رسیدن قوای تازه د انگلیس و پشتیبانی سكه های حکومت محلی نظام این انقلاب هم با قساوت و دد منشی و انتقام گیری سرکوب گردید . نهرو فقر ، تیره روزی و سیاست نادرست کمپنی شرق الهند را عامل این شورش سرتاسری میداند .

این نکته قابل توجه است که اکثر قیامها در اثر فقدان رهبری آگاه ، سازماندهی درست ، پلان منظم و آرمان ملی به شکست مواجه می شدند زیرا احکام و فیودال ها که رهبری انقلاب ها را به دوش داشتند به خاطر هدف کهنه و محکوم به فنا یعنی تحکیم و بازگشت نظم فیودالی می جنگیدند ، درحالیکه تشبثات تجارتنی هند (با آنکه خصوصیت استعماری داشت) آخرین تجلی نظم فیودالی را در هند به پایان میرساند . (۶۸)

درست در همین زمان واقعه دیگری رخ داد که نه تنها مردم بنگال بلکه تمام توده های میلیونی هند را تکان داد . حکومت بریتانیا تصمیم گرفت تا ایالت بزرگ و پهناور بنگال را که در زمان گذشته شامل بیهار نیز میگشت بدو قسمت شرقی و غربی تقسیم نماید . اما مردم در برابر آن سخت مقاومت نشان دادند . شورش بنگال با خصوصیت خاص خود از سایر جنبشها تفکیک میگردد : بدین معنی که در این مقاومت علاوه از توده های مردم ، مالکان زمین و سرمایه داران هندی نیز شرکت کردند و برای اولین بار صدای گلوله ویم در سیاست هند طنین افکن گردید تا بالاخره در اثر مقاومت شدیدی مردم ، انگلیس ها از تصمیم خود مبنی بر تقسیم بنگال (۱۹۱۱) منصرف شدند . (۶۹) در قرن نوزدهم موازی به شورش ها و نهضت ها نیکه در فوق از یک عده محدود آنها نام برده شد ، مبلغان و مصلحین نیز به ترویج يك سلسله اصلاحات اجتماعی مبارزت ورزیدند که مهمترین آنها : حرکت اجتماعی « براهمو سماچ ، اریا سماچ ، سوامی دایانندا - ساراسواتی » اند (۷۰) و در بیداری مردم و مبارزه علیه سلطه خارجی سهم قابل ملاحظه گرفتند . این اصلاح طلبان میخواستند افکار علمی و سیاسی را که تازه از غرب فرا رسیده بود با عقاید و آداب کهنه مذهبی خودشان سازش دهند و بعداً آنها در عرصه مبارزه پیاپی نماینده شدند . (۷۱) بی نیاز از تذکر است که همزمان با پروسه استعمار ، استعمار هم رونق می یابد بدین معنی که انگلیس ها جهت بهره برداری بهتر از منابع هندی مجبور بودند که علوم ، تکنولوژی و فرهنگ غربی را ترویج نمایند و به عبارته دیگر تمام پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی غرب را به هندیان معرفی نمایند . بنا بر همین ملحوظ هزاران محصل هندی جهت ادامه تحصیل به انگلستان فرستاده می شدند که در بازگشت با علوم ،

افکار و نظریات غربی مجهز بودند که این به نوبه خود احساس ناسیونالیستی و افکار آزادخواهی آنها را رشد و حس وحدت طلبی ملی را استحکام می بخشید .

مطبوعات و نشر وسیع رسانه های گروهی ، تأسیس مکاتب ، کالج ها و دانشگاه ها در بیداری مردم هند کمک شایانی نمود .

خلاصه هر قدر نظم سرما پیداری رشد مینمود به همان تناسب آزادی افکار و دیموکراسی سیاسی گسترش می یافت . سرانجام در ۱۸۸۵ م هواران رشد بورژوازی و روشن فکران تحصیل کرده بنیان « کنگره ملی هند » را گذاشتند (۷۲) که نپروما هیت کنگره موصوف را چنین تعریف می نماید : « کنگره ملی در آغاز تأسیس خود يك سازمان بسیار اعتدالی بود که وفاداری خود را نسبت به انگلیس ها تأیید میکرد و با کمال ادب تقاضا داشت که اصلاحات مختصر صورت گیرد و توده های مردم ، دهقانان کارگران به کلی از آن دور بودند . طرح های سازمان موصوف هنوز در سطح ابتدائی قرار داشت ، مسایل زندگی کارگران ، دهقانان و سایر مصایب مردم در آن مطرح نبود . اگرچه بعضی رهبران مسلمانان در آن شرکت داشتند اما در مجموع اقلیت مسلمان هند از آن کنار بودند . » از جمله فعالیت های مسلمانان هند تأسیس « کالج علیگر » قابل توجه است که در سال (۱۸۷۷م) در اثر مساعی و اهتمام سرسید احمد خان ایجاد شد و بعد ها این کالج به یونیورسیتی (دانشگاه) ارتقاء نمود و تا امروز مرکز فعالیت های فرهنگی مسلمانان هند است .

اتحادیه مسلمانان سر تا سری « آل اندین مسلم لیک » سازمان فرهنگی دیگری از مسلمانان بود که به کوشش محمد علی ، آغا خان و شوکت علی تأسیس گردید . (۷۳) اگرچه در بدو امر مسلمانان و سازمان مسلم لیک از حزب کنگره دور بودند ، اما به زودی بین آنها رابطه برقرار شد . در پهلوی دو سازمان فوق الذکر یعنی کنگره و مسلم لیک جبهه اسلامی را دیکالی به رهبری « محمود الحسن » که به شیخ الهند مشهور بود تبارز نمود که در تکنیک و برخورد با اوضاع و احوال با دو سازمان اولی تفاوت داشت . (۷۴) علاوه از گروه های سازمان یافته ، احزاب و تنظیم های داخل هند ، تشکلات و حلقه های متعدد در قاره های آسیا ، اروپا ، افریقا و آمریکا فعال بودند که جنبش ها و مبارزات داخل هند را به طرق مختلف پشتیبانی و حمایت می نمودند . در اثر رهمنائی محمود الحسن آزادخواهان هند بعد از قیام سرتا سری و سرکوب مبارزین (۱۸۵۷م) بر علاوه حفظ هسته های سیاسی و مبارزاتی شان در داخل هند به ایجاد مراکز فعالیت های سیاسی در خارج – در سرحدات آزاد بین هند بریتانوی و افغانستان نیز پرداختند . اما کابل در اوایل قرن بیستم (۱۹۱۵م) به پل ارتباطی بین مبارزین هندی و جهان خارج تبدیل شده بود . سردار نصرالله خان نایب السلطنه و عنایت الله خان پسر امیر حبیب الله خان در تفاهم با مولانا عبیدالله خان سندهی از روابط دولت افغانستان با آزادی طلبان هند ، تهیه اسلحه و کمک های نقدی ، تنظیم گروه های هندیان که قبلاً " به سرحدات آزاد و یا کابل رسیده بودند نظارت میکردند .

در جریان انکشاف جنبش های آزادی خواهی هند در اوایل قرن بیستم و در اثر رقابت های ممالک سرما پیداری جهت اشغال سرزمین های آسیا و افریقا و تسخیر بازار های آنها و نیز بحران عمیق اقتصادی و سیاسی ناشی از آن جنگ اول جهانی (۱۹۱۴-۱۹۱۸م) مشتعل گردید . ممالک محوری از موقعیت ستراتژیکی و اقتصادی نیم قاره هند به خوبی آگاهی داشتند . بناء آنها سخت در تلاش بودند تا انگلیس ها را در این منطقه مهم ضربه بزنند که این مامول صرف از طریق افغانستان میسر بود . بنا بر همین ملحوظ هیأتی مشتمل از ترک ها ، آلمان ها ، مبارزین هندی و یک تعداد سران قبایل در ۱۹۱۵ م به دربار امیر حبیب الله خان آمدند تا او را به طرفداری آلمان و متحدینش تشویق نمود و جهاد علیه انگلیس اعلان نماید . اما امیر حبیب الله خان در برابر « وفد مشترك » مقاومت کرد و باران نه معاذیر و مشکلات فراوان به بیطرفی افغانستان اصرار می ورزید . چندی بعد در ۲۵ جنوری ۱۹۱۶ م از طریق نماینده انگلیس حافظ سیف الله خان سفیر انگلیس در کابل ادامه سیاست بیطرفی خود به دولت

بریتانیا اطمینان داد. (۷۵) اما مردم افغانستان که منتظر شنیدن اعلان جهاد بودند از پیش آمد امیر متاثر و « وفد » هم در همین سال مایوسانه خاک افغانستان را ترک گفت.

از حوادث عمده دیگری که در همین مقطع تاریخی رخ داد: تشکیل دولت موقتی آزاد هند در کابل بود، چنانچه به قول روان شاد پوهاند حبیبی: « سرکردگان گروه هندی و کاظم بیگ به اجازت نایب السلطنه در خانه عبدالرزاق خان فراهم آمدند تا زمینه تأسیس حکومت آزاد هند را آماده سازند و در ابتدا در نظر بود که این حکومت به صدارت یکی از شهزادگان خاندان شاهي کابل تشکیل گردد، ولی بعداً بر این متفق شدند که صدر حکومت راجه مهند ره پرتاب و وزیر اعظم او مولوی برکت الله و وزیر هند (داخه) مولوی عبید الله سندھی باشند و این حکومت آزاد از مقر آزادیخواهان (باغبان کابل) اعلان گردید، سپتمبر ۱۹۱۶ م. »

اتحاد مراکز فعالیت های سیاسی مبارزین هند در سرحدات آزاد، پشتیبانی بی قید و شرط مردم قبايل، تأسیس دولت موقت هند در کابل، کمک های مادی و معنوی حکومت و مردم افغانستان در تقویه، تشدید و انکشاف جنبش های آزادی خواهی و تضعیف سلطه حکومت هند بریتانوی خیلی مؤثر و مشهود بود. جواهر لعل نهرو در اثر خود «نگاهی به تاریخ جهان» از چگونگی مبارزات، قیامها و جنبش های استقلال طلبانه هند خیلی به تفصیل صحبت نموده است، اما متأسفانه از حمایت قبايل و انکشاف جنبش در کوهستان های بین هند و افغانستان، تشکیل حکومت موقت هند در کابل، تماس های آزادیخواهان با حکومت و مردم افغانستان که در پروسه تحصیل استقلال هند برجستگی خاصی دارد، فقط با یک جمله مختصر اکتفا میکند: « کمیته مزبور (منظورش کمیته هندیان در آلمان است) در دوران جنگ با کمک آلمان فعالیت میکرد و در میان سربازان هندی که به خارج فرستاده می شدند به تبلیغات می پرداختند. دامن فعالیت آنها حتی تا افغانستان و مرزهای شمال غربی هند هم می رسید. »

با جمله اختتامیه ذیل این بخش به پایان می رسد که وجود آزادی خواهان هند در افغانستان، تماس های مستقیم بین مردمان دو کشور اثرات متقابل خود را داشت که: از یکطرف به جبهات آزادی خواهان در داخل و خارج هند نیرو می بخشید و از جانب دیگر افکار آزادی خواهی و تجربه مبارزاتی را در نهاد مشروطه خواهان افغان تقویه می نمود. ادامه دارد

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

Dr. Ajruddin Hashmat
97 Forest Heights Str.
Whitby, Ont. L1R 1x7, Canada
Tel (905) 665-8767